

# جنبه‌های زیبایی‌شناسی آیات قرآن در مرزبان‌نامه

حشمت قیصری<sup>۱</sup>

## چکیده

مرزبان‌نامه از جمله کتاب‌های ادب تمثیلی در نثر مصنوع است که توسط ادیب و نویسنده برجسته قرن هفتم هجری، سعدالدین وراوینی از زبان کهن طبری به زبان پارسی دری ترجمه شده است. ویژگی بارز این کتاب، مزین بودن به آرایش‌های لفظی و معنوی است که در این میان سهم آیات قرآن بسیار زیاد می‌باشد و از بسامد بالایی برخوردار است. این پژوهش با روش تحلیلی - توصیفی جنبه‌های زیبایی‌شناسی آیات قرآن در مرزبان‌نامه را از منظر نقش آیات قرآنی در زیبایی ادبی کتاب مرزبان‌نامه، اهداف نویسنده از به‌کارگیری آیات قرآن و شیوه‌های بروز و ظهور آیات قرآن در متن کتاب مورد بررسی قرار می‌دهد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که نویسنده در نثر کتاب به تضمین و اقتباس آیات قرآنی، بیش از دیگر آرایه‌های ادبی توجه نموده و درحقیقت از آیات قرآن علاوه بر تلفیق معانی و آراستن نثر کتاب، بیشتر برای غنی‌سازی مطالب و ایراد ادله و مصداق بهره فراوان برده است.

**واژگان کلیدی:** آیات قرآن، مرزبان‌نامه، تحلیل زیبایی‌شناسی.

۱. عضو هیأت علمی تمام وقت دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایرانشهر

## مقدمه

مرزبان‌نامه از شاهکارهای ادب فارسی در نثر مصنوع مزین است که در قرن چهارم هجری توسط یکی از شاهزادگان طبرستان به نام مرزبان بن رستم به زبان کهن طبری نوشته شد و سپس در قرن هفتم هجری به وسیله سعدالدین وراوینی از زبان طبری به زبان پارسی دری ترجمه شد. سعدالدین وراوینی علت ترجمه کتاب را خالی بودن آن از زیور عبارات دانسته و در دیباچه کتاب به این مسأله اشاره می‌کند: «متقاضیان درونی را بر آن قرار گرفت که از عرایس مخترعات گذشتگان، مخرّره که از پیرایه عبارت عاطل باشد به دست آید تا کسوتی زیننده از دست بافت قریحه خویش درو پوشم و حلیتی فریبنده از صناعت ضیاعت خاطر برو بندم.» (وراوینی، ۱۳۷۵: ۱۹) بنا به گفته وراوینی اصل کتاب از سابقه‌ای بسیار کهن برخوردار بوده است که این کهنگی را می‌توان در محتوای کتاب و درون‌مایه بسیاری از حکایت‌ها نیز مشاهده نمود. این کتاب از نوع ادب تمثیلی (فابل) است که از زبان حیوانات نوشته شده و دربردارنده داستان‌ها و حکایت‌های پندآموز بسیار کهن می‌باشد. نویسنده کتاب درحقیقت به شیوه غیرمستقیم و از زبان حیوانات، پند و اندرزهای خود را به پادشاه زمان خود بیان می‌کند که این شیوه ابتدا در میان دانایان هندی و ایرانی رواج داشته و سپس در ایران پس از اسلام نیز ادامه یافته است. نثر کتاب مزین است به زیبایی‌های لفظی و معنوی، همراه با کاربرد فراوان آیات قرآنی که جنبه‌های زیبایی کتاب را چند برابر نموده است. نوشتار حاضر برآن است تا به این مسأله بپردازد که نویسنده به چه اهدافی و با چه شیوه‌ای آیات قرآن را در مرزبان‌نامه مورد استفاده قرار داده که سبب زیبایی نثر این کتاب شده است. سؤال اصلی این پژوهش پاسخ به این سؤال است که کارکرد زیبایی‌شناسی آیات قرآن در مرزبان‌نامه به چه صورت هست؟ با وجود اینکه سهم آیات قرآن در زیبایی مرزبان‌نامه اهمیت بسیار زیادی دارد، اما تاکنون پژوهشی مستقل در زمینه جنبه‌های زیباشناسی آیات قرآن انجام نگرفته است؛ و اغلب پژوهش‌های صورت گرفته پیرامون تمثیل‌ها و نمادهای به کار رفته در مرزبان‌نامه و یا تحلیل داستان‌های این کتاب می‌باشد؛ از جمله: «نگاهی به تمثیل‌های نمادین در مرزبان‌نامه» از مسعود پاکدل و معصومه میراب (۱۳۹۴)؛ «بررسی تمثیل در دو داستان کلیله و دمنه و مرزبان‌نامه» از

احمدرضا یلمه‌ها (۱۳۹۶)؛ «نقد و تحلیل قصه‌ای از مرزبان‌نامه بر اساس رویکرد بینامتنیت» از محمود رضایی دشت ارژنه (۱۳۸۷) و «مسئله دیو گاوپای و دانای دینی مرزبان‌نامه» از محمد بارانی و مریم خلیلی جهانتیغ و یعقوب فولادی (۱۳۹۹) اشاره نمود. از این روی پژوهش از این دیدگاه، برای اولین بار صورت گرفته است. در این تحقیق نگارنده نخست به مباحث مقدماتی پیرامون ویژگی‌های سبکی مرزبان‌نامه و شیوه‌های به کارگیری آیات قرآن در آن پرداخته و سپس به استخراج و تحلیل عناصر زیبایی‌شناسانه آیات قرآن در مرزبان‌نامه مبادرت ورزیده است.

### محتوای کتاب (معرفی اجمالی کتاب مرزبان‌نامه)

مرزبان‌نامه مشتمل است بر یک تمهید و مقدمه و نه باب که مطالب اصلی کتاب در این نه باب تنظیم شده است. در تمهید، از اصل کتاب و زبان و نویسنده آن و انتقال آن به زبان‌های دیگر و نیز از موضوع آن سخن به میان آمده است. در مقدمه پس از ستایش و تسبیح خداوند و اشاره به حکمت‌ها و عبرت‌هایی که خداوند در تمامی موجودات به ودیعت نهاده و نیز اشاره به اصل و ترجمه کتاب، به اختصار موضوع ابواب نه‌گانه کتاب بیان شده است. در باب‌های نه‌گانه کتاب داستان‌های نقل شده از زبان حیوانات، داستان‌های اخلاقی و آموزنده‌ای هستند که با شیوه فنی و ادبی خاصی حکایت می‌شوند. قهرمانان این داستان‌ها غالباً جانوران، گیاهان و جمادات هستند که به صورت سمبلیک نقش شخصیت‌های داستان را بازی می‌کنند و گاه نیز انسان‌ها در قالب و نماد اشخاص واقعی داستان ایفای نقش می‌کنند. از ویژگی‌های برجسته کتاب آن است که نویسنده به روش سمبولیسم، بینش سیاسی خود را از زبان حیوانات بیان می‌کند و شخصیتی را که در تمامی مباحث کانون و محور اصلی قرار داده و به تحلیل رفتار و کردار او پرداخته، شخص پادشاه و حاکم جامعه می‌باشد. از دیدگاه نویسنده پادشاه دارای قدرت و فیضی است که خلق و خو و احوال درونی او می‌تواند تأثیری متقابل در جهان اطراف و جامعه او داشته باشد؛ اگر روح و روان پادشاه ناخوشایند باشد، در جهان پیرامون او نیز ناخوشی پدیدار می‌شود و اگر پادشاه انبساط خاطر داشته باشد، این حالت خوشی و گشایش خاطر، اطرافیان و جهانیان پیرامون او را نیز در

برمی‌گیرد. اما باید توجه داشت که نویسنده این ویژگی‌ها را شامل تمامی پادشاهان نمی‌داند، بلکه در جایی که لازم باشد با زبانی غیرمستقیم (که پیامدی ناگوار نداشته باشد) از عملکرد پادشاهان و رفتار تند آنان نیز زبان به انتقاد می‌گشاید. «برخی از حکایات و افسانه‌های این کتاب را می‌توان در کتب دیگر از قبیل کلیله و دمنه و هزارافسانه یافت، لیکن به تحقیق نمی‌توان به اصل تمامی افسانه‌های کتاب پی برد و قسمت‌های مزبور را از یکدیگر تفکیک کرد. به اجمال می‌توان گفت که قسمتی از این داستان‌ها از اصل ایرانی و قسمتی دیگر از اصل هندی است؛ به ویژه آنکه هنگام مقایسه این کتاب با کلیله و دمنه به حکایات و ابوابی برمی‌خوریم که بی‌افزایشی و کاست و یا با اندک اختلافی در کلیله و دمنه وجود دارد و چون متن اصلی کتاب به زبان طبری در دست نیست، به تحقیق نمی‌توان بیان داشت که آیا این حکایات در اصل کتاب موجود بوده و یا پس از ترجمه بدان افزوده شده است.» (خطیبی، ۱۳۸۶: ۵۰۲) نکته دیگر که در سراسر کتاب به چشم می‌خورد، آن است که نویسنده در تمامی داستان‌ها و حکایات بر اصل تقوا و پرهیزگاری تأکید خاصی دارد و شخصیت‌های داستان‌ها افرادی وارسته هستند که هوای نفس خویش را مهار کرده و قناعت و پرهیز از دنیاپرستی پیشه آنهاست، اما پرداختن به مباحث زهد و تقوا و وجود چنین اندیشه‌هایی در سراسر مطالب کتاب، ناشی از اندیشه‌های عارفانه و صوفیانه نمی‌باشد، بلکه این اندیشه‌ها متأثر از دین مانی و تا حدی متأثر از آیین مزدک است.

### ویژگی‌های سبکی کتاب

مرزبان‌نامه به عنوان سرحلقه و نمونه شاخص نثر فنی قرن هفتم به شمار می‌رود که نه تنها در این قرن، بلکه در قرن‌های بعد نیز سرمشق نویسندگان بوده است. نثر کتاب آراسته است به صنایع لفظی و معنوی و اشعار عربی و فارسی و امثال و اخبار که نویسنده با مهارت منشیانه خود آن را به انواع زیورهای بدیعی آراسته و بنابر اقتضای سخن از آیات و احادیث و امثال فارسی و عربی برای آرایش کلام خود استفاده نموده است. تکلفات لفظی و فنی در نحوه انتخاب و کاربرد لغات و اصطلاحات و مضامین در مرزبان‌نامه چنان با لطف و ذوق و تناسب ترکیبات در هم

آمیخته که نثر کتاب را منسجم، روان و رسا نشان می‌دهد. «مرزبان‌نامه در زمانی انشاء شده است که در شیوه نثرنویسی مراعات دقایق دشوار لفظی و فنی به غایت تکلف رسیده و رشته ارتباط نثر فارسی با سبک ادوار قبل از خود گسیخته شده بود و برای قبول و استعمال لغات تازی نه تنها هیچ گونه قید و حدی وجود نداشت، بلکه خالی بودن نثر از مفردات و ترکیبات دشوار زبان عربی، از دلایل نقص نویسنده و سستی نثر شمرده می‌شده و نویسندگان برای ابراز هنر در پی آن بوده‌اند که تا هرچه می‌توانند لغات دور از هم و نامأنوس عربی را برای رعایت تجانس لفظی به کار برند.» (خطیبی، ۱۳۸۶: ۵۰۶) اما نثر مرزبان‌نامه از شیوه متکلفانه هم عصران به دور است و نویسنده در کتاب به موازنه و ازدواج و مترادفات بسنده کرده است.

از جمله برجسته‌ترین صنایع لفظی که در سبک انشای مرزبان‌نامه به کار رفته انواع مختلف جناس و سجع و مراعات نظیر و تضاد است. در ارتباط با کاربرد جناس، نویسنده عبارات را به گونه‌ای تلفیق کرده که بتواند هرچه بیشتر این آرایه را به کار ببرد، تا آنجا که در بسیاری از موارد، مفاهیم و معانی را جز با دقت در روابط لفظی این‌گونه جناس‌ها نمی‌توان به هم وصل کرد. سجع نیز در سراسر کتاب، به خصوص در کلمات دشوار عربی بسیار به کار رفته است و صنعت تضاد نیز یکی از مشخص‌ترین وجوه مناسبات لفظی و صنایع بدیعی در سبک انشای این کتاب است که آن را بیشتر به صورت تتابع و توالی می‌آورد. اما یکی از فنی‌ترین مختصات نثر مرزبان‌نامه اقتباس و استعمال آیات قرآنی در جهت تلفیق معانی و تزیین عبارات و آرایش کلام است که دارای بسامد بالایی در سطح کتاب می‌باشد. شاید بتوان گفت نویسنده در نثر کتاب به تضمین و اقتباس بیش از سجع و دیگر صنایع لفظی توجه داشته؛ به گونه‌ای که در کتاب، معانی و عبارات تنها وسیله‌ای است برای به هم پیوستن این‌گونه ارکان به یکدیگر، با تنوع و تکلفی که شاید در دیگر آثار نثری مشابه، کمتر نظیری داشته است.

### شیوه‌های به‌کارگیری آیات قرآن در مرزبان‌نامه

تأثیر قرآن و حدیث در متون ادب فارسی به شیوه‌های گوناگونی صورت می‌گیرد؛ از جمله اینکه ممکن است شاعر یا نویسنده، یا تحت تأثیر محتوای آیه یا حدیث قرار بگیرد و آن را در

نوشته خود به کار برد و یا اینکه شیوه بلاغی و بیانی آیه را مدنظر داشته باشد و برای آراستن کلام خود به زیبایی‌های هنری و ادبی، از آیات و احادیث استفاده نماید. توجه به اینکه هدف اصلی این مقاله بررسی جنبه‌های زیبایی‌شناسی آیات قرآن در مرزبان‌نامه می‌باشد، می‌توان گفت که آیات قرآن در این کتاب به دو روش مورد استفاده قرار گرفته است: یا به صورت تضمین و استفاده مستقیم از آیات قرآن است که در این روش نویسنده آیه را به طور کامل و یا قسمتی از آن را در نوشته خود می‌آورد که این روش دارای بسامد بسیار بالایی در سطح کتاب می‌باشد و قسمت بیشتر آیات قرآنی در مرزبان‌نامه به این صورت به کار رفته است. روش دیگر به صورت اقتباس و استفاده غیرمستقیم از واژگان و آیات قرآنی است که در این روش نویسنده آیه را ذکر نکرده، بلکه یا از مفهوم و محتوای آیه تأثیر پذیرفته است و یا اینکه با استفاده کردن از واژگان ترکیبات قرآنی ذهن مخاطب را به اصل آیه قرآنی رهنمون می‌شود.

به عنوان مثال واژه «اولوالأمر» در این عبارت: «بحمدلله شما همه متورع و پرهیزگار و در ملت خدای ترسان و حق‌پرستانید و جمله بر طاعت خدای و رسول و تباعت من که از اولوالامر تبعیت ورزیده‌اید.» (وراوینی، ۱۳۷۵: ۶۳۸)

آیه ۵۹ سوره نساء را به ذهن متبادر می‌کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ.» و یا ترکیب «بضاعت مزجاه» در این عبارت: «بضاعت مزجات در مصر جامع تبریز با آن ذخایر سعادت مضاف شود» (همان: ۷۵۰) یادآور آیه ۸۸ سوره یوسف می‌باشد: «فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَيْهِ قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلَنَّا الضُّرَّ وَجِئْنَا بِبِضَاعَةٍ مُزْجَاةٍ.» و در عبارت «مرا سینه امل از شرح این سخن منشرح شد.» (همان: ۲۱) واژه «منشرح» تلمیحی دارد به آیه ۲۵ از سوره طه: «قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي.» که نویسنده در اینجا محتوای آیه را مد نظر داشته و از آن تأثیر پذیرفته است. و همچنین ترکیب «مشکاه زجاجی» در عبارت: «بصیری که در مشکاه زجاجی بصر بچراغ ادراک پرتو جمال حقیقتش نتوان دید.» (همان: ۴) ذهن مخاطب را به اصل آیه ۳۵ از سوره نور سوق می‌دهد: «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِ كَمِشْكَاهٍ فِيهَا مُصْبِحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ.»

واژگان «رجوم و شیاطین» در این عبارت نیز: «پیش از آنکه این دوزخ دمان زبانیه کردار و مرده مردم خوار بمغافصت و مناہزت ناگاہ در آن ولایت تازند و هجومی کنند و رجوم آفت این شیاطین فتنه بارکان و اساطین آن دولت رسد و کار از ضبط تدارک و حد اصلاح بیرون رود، من بخدمت شیر روم.» (وراوینی، ۱۳۷۵: ۴۸۳) تلمیحی دارند به آیه ۵ از سوره ملک: «وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ وَجَعَلْنَاهَا رُجُومًا لِلشَّيَاطِينِ وَأَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابَ السَّعِيرِ».

### جنبه‌های زیبایی آیات قرآن در مرزبان‌نامه

یکی از جلوه‌های زیبای کتاب مرزبان‌نامه که نویسنده در سراسر متن از آن بهره برده، کاربرد فراوان آیات قرآن است که علاوه بر تلفیق معانی و آراستن نثر کتاب، مهارت و استادی نویسنده را نیز نشان می‌دهد. در زیر جنبه‌های زیبای آیات قرآن را در مرزبان‌نامه مورد بررسی قرار می‌دهیم:

#### ۱- استشهاد و استناد

یکی از مهم‌ترین اهداف به کارگیری آیات قرآن در متون ادبی، استشهاد و استناد است که نویسنده و هنرمند سعی می‌کنند از این طریق، دلایل محکم و قابل قبول برای سخن خود بیان نمایند. وراوینی هم در جای‌جای کتاب مرزبان‌نامه از آیات قرآن برای استشهاد و استناد گفتار خود استفاده کرده است؛ به عنوان مثال در عبارت زیر، نویسنده پس از اینکه بیان می‌کند یک پادشاه باید حافظ و نگهبان اموال مردم باشد و در مال خود به میانه‌روی دست تصرف بگشاید و در مال و سرمایه مردم نیز هرگز تصرف ننماید، سپس در ادامه مطلب، آیه ۳۱ سوره اعراف از قرآن را به عنوان استشهاد برای کلام خود ذکر می‌کند: «او بحقیقت بندگان خدای را نگهبان اموال است و تصرف در مال خود باندازه شاید کرد فخاصه در مال دیگران و جمال این سخن را نص کلام از منصفه صدق جلوگیری می‌کند، آنجا که می‌فرماید: «وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ...» (همان: ۴۷) و یا در عبارت زیر که از لزوم احسان و نرم‌خویی پادشاه با زیردستان خود صحبت

می‌کند و بیان می‌دارد که اگر غیر از این باشد، مردم از اطراف پادشاه پراکنده می‌شوند، بلافاصله پس از پایان مطلب، آیه ۱۵۳ سوره آل عمران را به عنوان استشهاد ذکر می‌کند که خداوند در آن پیامبر خود را به اخلاق نیکو و نرم‌خویی سفارش می‌نماید: «و پادشاه که خوی کم‌آزاری و نیکوکاری و ذلاقت زبان و طلاقت پیشانی با رعیت ندارد، تفرق بفرق راه یابد و رمیدگی دور و نزدیک لازم آید و ببین که مصطفی صلی الله علیه و آله که در اکمل کمالات و بر افضل حالات بود بدین خطاب چگونه مخاطب

است: وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَأَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ.» (وراوینی، ۱۳۷۵: ۶۶) و یا آنجا که نویسنده در مورد فضیلت انسان بر دیگر مخلوقات سخن می‌گوید و بیان می‌دارد که خداوند برای انسان آموزگاری از عالم قدس ملکوت برگزید و لوح علم و دانش را به او آموخت، پس از بیان این مطلب، آیات ۵ و ۶ سوره نجم را که به این مطلب اشاره دارند، به عنوان استشهاد برای کلام خود ذکر می‌کند: «آفریدگار جلّ و علا، با آنک از جمله جواهر حیوانات جوهر آدمی را مطهرتر آفریدست و بهره‌دانایی و تیزهوشی و هوشمندی، ایشان را بیشتر داده و هر یک را فرشته از عالم قدس ملکوت آموزگار گردانیده و لوح تفهیم و تعلیم در پیش نهاده، چنانکه در وصف بهترین موجود می‌آید: عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَى ذُو مِرَّةٍ فَاسْتَوَى.» (همان: ۲۲۹) و در عبارت زیر نیز که نویسنده در مورد این مطلب سخن می‌گوید که وقتی سخنی از دیگران می‌شنویم ابتدا باید در مورد درستی و نادرستی آن سخن تحقیق کرد و هرگز نباید با شنیدن سخنان یک فرد، بلافاصله در مورد آن سخنان حکم صادر نمود و قضاوت کرد، بلافاصله پس از پایان کلام خود به آیه ۶ از سوره حجرات استناد می‌جوید و از این آیه به عنوان استشهاد برای کلام خود استفاده می‌کند: «و هر آنچ بشنوی از نفی و اثبات بی استقصاء و استقرائی که در تحقیق آن رود، حکم بر احدالطرفین روا نداری و به اولین وهلت بی‌مهلت در سمع رضای خود جای ندهی تا بر فعلی که از آن ندامت باید خورد مبادرت نرفته باشد، یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنِ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْبِحُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ.» (همان: ۳۷۳)



## ۲- تسلسل معانی جملات فارسی با آیات قرآنی

گاهی در متن کتاب آیه به گونه‌ای در تضمین می‌شود که گویی دنباله کلام است؛ به این معنی که نویسنده، عبارات و ترکیبات عربی و فارسی را چنان به هم پیوند می‌دهد که رشته کلام از فارسی به عربی و از عربی به فارسی منتقل می‌شود؛ بدون آنکه هیچ نوع اختلالی در پیوستگی معانی به نظر برسد و این دو را از یکدیگر متمایز و جدا از هم نشان دهد. تسلط کم نظیر و روانی بر آیات قرآن سبب شده است با آوردن آیات پشت سر هم جملات و عبارات مد نظر خود را کامل کند؛ به عنوان مثال در عبارت زیر همان‌گونه که ملاحظه می‌شود آیه ۲۵۸ سوره بقره دنباله معنی را در بردارد، به گونه‌ای که اگر آیه را از متن کلام برداریم، عبارت ناقص و ناتمام خواهد شد و پیوند معانی از هم خواهد گسست: «اگر می‌خواهی که گفته من در نصاب قبول قرار گیرد، قَدْ تَبَيَّنَ الرَّشْدُ مِنَ الْغَيِّ و اگر نمی‌خواهی که برحسب آن کار کنی، لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» (وراونی، ۱۳۷۵: ۵۴) و یا در این عبارت نیز آیه ۷۷ سوره قصص، درحقیقت جزء بافت کلام هست و بدون آن عبارت ناقص می‌شود: «گفت: بدانید که من از از جهان نصیب خویش یافتم و آنچه اندر ازل مقسوم بود خوردم، سرد و گرم روزگار دیدم و تلخ و شیرین او چشیدم و تنبیه لَأَنْتُمْ نَصِيْبِكُمْ مِنَ الدُّنْيَا همیشه نصب عین خاطر داشتم.» (همان: ۹۶)

گاهی نیز نویسنده این صنعت را به گونه‌ای به کار می‌برد که اگر آیه از بافت کلام حذف شود، از پیوستگی معانی کاسته نمی‌شود، اما عبارت ناقص و ناتمام به نظر می‌رسد و خواننده منتظر است تا معنی کامل شود. درحقیقت وجود آیه، تکمیل‌کننده معنی عبارت فارسی می‌باشد؛ مانند کاربرد آیه ۵۷ سوره هود در این عبارت: «گفت: اکنون که تمکین سخن گفتن فرمودی، حسن استماع مبذول فرمای که لوازم نصیح ملایم طبع انسانی نیست، لَقَدْ أُبْلِغْتُمْ رِسَالَةَ رَبِّي وَ نَصَحْتُ لَكُمْ وَلَكِنْ لَا تُحِبُّونَ النَّاصِحِينَ.» (همان: ۴۵) و یا آیه ۸۸ سوره اسراء در این عبارت: «اگر از هر یک انموذجی بازنمایم، باطالت انجامد اما طریقتی که خواجه فاضل ظهیرالدین کرجی داشت، کتبه عجم از نسج کتابت بر منوال او، اگر خواهند قاصر آیند، وَ لَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا.» (همان: ۱۶) و نیز آیه ۲۰ سوره انسان در این عبارت: «آن روز که روز عمر او بسر آید و

ازین سرای عاریتش برانگیزانند و بدان وادی برند که از عالم آخرت عبارتست، منزلی بیند بر مراد خود ساخته و قرارگاهی بر وفق آرزو پرداخته، وَ إِذَا رَأَيْتَ تَمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَ مُلْكًا كَبِيرًا» (همان: ۱۲۲)

### ۳- سپیدرفتن نقش‌های دستوری در جملات فارسی

مهارت و تسلط نویسنده سبب شده است که به طرز بسیار زیبایی در جای جای کتاب، آیات قرآن را به عنوان جزئی از جمله در میان عبارات و جملات فارسی به کار ببرد. از جمله نقش‌های دستوری پرکاربرد در این بخش، مضاف‌الیه واقع شدن آیات قرآن است. وراوینی در جاهای بسیار زیادی از کتاب، آیات قرآن را در نقش دستوری مضاف‌الیه جمله فارسی قرار داده است؛ به عنوان مثال آیه ۸۸ سوره بقره که در این عبارت به کار رفته درحقیقت مضاف‌الیه است برای کلمه حسابگاه؛ (حسابگاه روز قیامت): «اما چون در بدایت و نهایت این جهان می‌نگرم و از روز بازگشت بداور جهانیان می‌اندیشم شاه را آز و خشم در پای عقل کشتن و سر‌قضای شهوت که از گریبان فضول حاجت برآید، بدست خود برداشتن اولی‌تر می‌دانم مگر در حسابگاه «يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مال و لا بَنُونَ» از جمله سرافکنندگان خجالت نباشد.» (وراوینی، ۱۳۷۵: ۷۶) و یا در این عبارت: «اگر وقتی شیطان حرص تو را به وسوسه خیانتی هتک پرده دیانت فرماید، خطاب «إِنَّ اللَّهَ يَأْتُرْكُم أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا پیش خاطر دار.» (همان: ۱۳۷) آیه ۵۸ سوره نساء، مضاف‌الیه است برای واژه خطاب (خطاب امانت داری). و در این عبارت نیز آیه ۳۰ سوره قصص، مضاف‌الیه است برای کلمه «تلقین»: «ردوی گفت: شنیدم که بشهری از اقصای بلاد چین درختی بود اصول بعمق ثری برده و فروع بسمک ثریا کشیده، بعمر پیر و بشکل جوان،... پنداری درخت کلیم بود که بزبان چوبین تلقین «إِنِّي أَنَا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ» در سمع عالمیان می‌داد.» (همان: ۳۹۹)

از دیگر نقش‌های دستوری پرکاربرد آیات قرآن در مرزبان‌نامه، قرار گرفتن آیات در نقش مسندالیه و مسند؛ یعنی آیه به عنوان جزئی از ارکان جمله اسنادی در عبارات فارسی به کار برده شده است؛ به عنوان مثال در این عبارت، آیه ۲۶۹ سوره بقره، مسند است برای ترکیب خلعت

کمال: «سیوم روح نفسانی که محل او دماغست و تفکر و تدبّر از آنجا خیزد، همچنانک قوه نامیه، در روح طبیعی طلب غذا کند، قوت ممیزه در روح نفسانی سعادت دو جهانی جوید و از اسباب شقاوت اجتناب نماید و استمداد قوای او از اجرام علوی و هیاکل قدسی بود و خلعت کمال او اینست که «وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ» (همان: ۲۶۱) و یا در این عبارت نیز آیه ۴۶ سوره کهف، مسندالیه جمله است و دو ترکیب صریح برهانی و ساطع بیانی هم مسند جمله هستند: «وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ» صریح برهانی و ساطع بیانی است بر آنچ طالبان سعادت جاودانی را آنچ ذخیره عمل شاید که باشد.» (همان: ۶۶۳)

گاه نیز نویسنده به طرز بسیار زیبایی آیه را در جایگاه نهاد جمله فارسی به کار برده است که در اینجا نمونه‌هایی از آن آورده می‌شود: به عنوان مثال در عبارت زیر آیه ۲۸ سوره انفال (إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ...) نهاد است برای عبارت بعد از خود: «پس از اینجا می‌توان دانست که بزرگ‌ترین شاغلی از شواغل دریافت سعادت و هول‌ترین قاطعی از قواطع راه آخرت ایشانند. «إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ» در بیان این معنی است که شرح داده آمد.» (وراوینی، ۱۳۷۵: ۶۶۱) و در این عبارت نیز آیه ۴۶ سوره کهف (المال و البنون...) نهاد برای عبارت بعد از خود می‌باشد: «مرد را تا همت به کار فرزند و دل مشغولی باحوال اوست، بهیچ تحصیلی از اسباب نجات در حالت حیات و ممات نمی‌رسد و از مطالعه جمال حقایق در کارها و وقوف بر دقائق اسرار باقی و فانی محروم و محجوب می‌ماند. «الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» خود اشارتی مستأنفست بدانچ مقرر کرده آمد.» (همان: ۶۶۳)

#### ۴- وصف برای موصوف

از دیگر جنبه‌های زیبایی‌شناسی آیات قرآن در مرزبان‌نامه این هست که نویسنده گاه آیه قرآن را به عنوان توصیف برای عبارت قبل از خود به کار می‌برد؛ یعنی آیات قرآن را به عنوان صفت برای موصوف در جایگاه وصف قرار می‌دهد که این امر سبب عمیق‌تر شدن مفهوم جملات و

تقویت عنصر وصف در عبارات کتاب شود؛ به عنوان مثال در جمله زیر نویسنده، آیه ۱۰ سوره صافات را صفتی برای پیشوا و مقتدای دیوان جهان آورده که ذهن خواننده از این طریق به اوصافی که خداوند برای آن گروه فرشتگانی که استراق سمع می‌کردند متوجه می‌شود: «یکی را که بجرأت و بسالت معروف دانست، برسم رسالت پیش دینی فرستاد که من پیشوا و مقتدای دیوان جهانم، استراق سمع از فرشتگان آسمان می‌کنم. فَأَتَبَعَهُ شِهَابٌ ثَاقِبٌ در شأن من آمدست، اضلال سالکان زمین کار منست، وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ أَلَىٰ أَوْلِيَائِهِمْ در حق گماشتگان من نزول کردست.» (همان: ۲۵۱) همچنین در عبارات نیز نویسنده به ترتیب از آیات ۲۲ و ۲۱ سوره الحاقه و آیه ۷۱ سوره زخرف که وصف بهشت هست به ترتیب در عبارت اول برای وصف نگارستان و مکان زیبا و در عبارت دوم برای وصف کتاب خود استفاده نموده و به گونه‌ای بسیار زیبا نگارستان و کتاب خود را با بهشت مشابهت دانسته است: «شیری آنجا پادشاهی دارد، چنین نگارستانی را شکارستان خویش کرده و ددان آن نواحی را در دام طاعت خود آورده، از مشرب تمتع آن بی کدورت زحمت هیچ مزاحم باز می‌خورد و اسباب تعیش فی عیشهِ راضیه و جَنَّهُ عَالِيَه، در آن آرام‌جای ساخته می‌دارد.» (همان: ۲۶۰)

«و این بجنتی ماند پر از الوان ازاهیر معنی و اشکال ریاحین الفاظ و اجناس فواکه نکت و انواع ثمار اشارات. هر حسی را از افراد آن بهره و هر ذوقی را از آحاد آن نصیبی، فیها ماتشتهیه الأَنْفُسُ تَلَدُّ الأَعْيُنُ و بدین خصایص که یاد کرده می‌آید از جمله آن کتب منفرد است.» (وراوینی، ۱۳۷۵: ۷۳۶) همچنین در این عبارت نیز نویسنده آیات ۲۴ و ۲۳ سوره عبس را به عنوان صفت برای موصوف قرار می‌دهد و با این آیات صحنه روز قیامت را وصف می‌کند: «و چون دوستان و برادرخواندگان امروز از یکدیگر منتفع نشوند، آن روز که یَوْمَ يَغْزِي الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ و أُمِّهِ و أَبِيهِ نقد حال گردد، از یکدیگر چه فایده تصور توان کرد؟» (همان: ۱۷۱) در دو عبارات زیر نیز نویسنده به ترتیب از آیات ۱۰۴ و ۱۰۳ سوره کهف و آیه ۲۷ سوره بقره برای وصف زیانکاران که دل در گرو تعلقات و آرزوهای دنیایی نهاده، عهد و پیمان با خداوند را شکسته و مسیری جز حقیقت و راستی پیموده‌اند که در آخر نیز چیزی جز خسران نصیب آنها نشده استفاده نموده است:

«و مردم نادان ندانسته‌اند که عمل خانه امل ایشان چون قبه حباب و سده سحاب بنیاد بر باد و آب دارد، اسباب زخارف در پیش سیل جارف فراهم آورده‌اند و بر هم نهاده و آخر الامر بآب سیاه عدم فروداده، قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ هُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يَحْسِنُونَ صُنْعًا.» (همان: ۳۶۶)

«اگر ازین بگذریم و قضیه شرع و رسم مهمل گذاریم، نقض عهد و ایمان کرده باشیم و حدود و اوامر حق را باطل داشته، الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ.» (همان، ص ۳۸۳) به طور کلی تصویرسازی و بیان دقیق توصیفات که نشان از هنر و مهارت بالای نویسنده دارد، و ارزش هنر یک اثر را نمایان می‌سازد، می‌تواند تأثیری عمیق و عاطفی نیز در مخاطب خود بگذارد.

## ۵- تمثیل

«تمثیل برای توضیح و تبیین معنی به کار می‌رود و قلبی است در خدمت ادبیات تعلیمی. تمثیل با تجسم بخشیدن و تصویر کردن مفاهیم انتزاعی و عقاید دینی و اخلاقی، امر آموزش به عوام و ذهن‌های مبتدی را ساده می‌کند. کارکرد تعلیمی تمثیل؛ به ویژه در خطابه‌های سیاسی و علم اخلاق، قدرت اثبات و اقناع شگرفی دارد.» (فتوحی، ۱۳۸۵: ۲۷۳) به کارگیری آیات قرآن به عنوان تمثیل در کتاب، درحقیقت دلیل و سندی است که نویسنده از آن برای قانع کردن خواننده و همچنین تقویت محتوای کتاب خود و نیز نشان دادن هنر نویسندگی خود استفاده نموده است. وراوینی برای اینکه مخاطب کلامش را باور کند و او را نسبت به مطالبی که بیان داشته قانع سازد، به تمثیل پردازی روی می‌آورد و آیات قرآن را تمثیلی برای کلام خود ذکر می‌کند؛ به عنوان مثال در عبارت زیر، آیه ۲۱۶ سوره بقره «عَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا...» تمثیلی است برای عبارت قبل از خود: «گفت: چون کاری بین طرفی التقیض افتد، حکم در آن قضیه بر یک جانب کردن و از یک سو اندیشیدن اختیار عقل نیست، عَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَ عَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَ هُوَ شَرٌّ لَكُمْ.» (وراوینی، ۱۳۷۵: ۲۲۴)

و همچنین در عبارات زیر آیه ۴۱ سوره الرحمن، آیه ۱۶۴ سوره انعام، آیه ۵۸ سوره اعراف و آیه ۳۹ سوره نجم به ترتیب تمثیلی هستند برای عبارت قبل از خود:

«پس گفت: ای برادر طمانینت من بر صدق این سخن کجا باشد؟ خروس گفت: يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِمَاهُمْ.» (همان: ۳۹۰)

«چون یکی بگناهی موسوم شود، عقوبت عام نفرماید، وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى.» (همان، ص ۶۶)

«هرگز از منبت سیر و راسن، سرو و یاسمن نروید و از مغری خیزران، خیری و ضیمران برنیاید، وَالَّذِي خَبْتُ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكْدًا.» (همان: ۴۲۴)

«گفت: این فصل که از من شنیدی بماهیان رسان و این سعی دریغ مدار تا اگر باجابت پیوندد، ایشان از اندیشه ترکناز تعرضات من ایمن در مساکن خود بنشینند و ترا نیز فایده امن و سکون از فتور و فتون روزگار در ضمن آن حاصل آید، «وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى.» (همان: ۶۷۷)

## ۶- مجاز

کاربرد آیات قرآن در حکم صورخیال و یا آرایه‌های لفظی و معنوی در متن عبارات فارسی، از دیگر جنبه‌های زیبایی‌شناسی آیات قرآن در مرزبان‌نامه می‌باشد؛ به عنوان مثال در عبارت زیر، آیه ۱۴۰ سوره آل عمران (و تلک...)) به عنوان مجاز در معنی (روزگار همیشه برای مردمان یکسان نیست) در جمله به کار رفته است: «امروز که ایام در پیمان ولای اوست و قضا آنجا که رضای او، هر تدبیری که ما اندازیم بر نشانه کار نیاید و هر اندیشه که در دفع او کنیم، خام نماید، پس ما را علت و طبیعت باز می‌باید گذاشتن و آن زمان را مترقب و مترصد بودن که آفتاب دولت او بزوال رسد و خداوند طالع از بیت السَّعَادَةِ تحویل کند و بخت سایه بر کار ما افکند. وَ تِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ، تا اگر بمقاومت او قیام نماییم ظفر یابیم.» (روایینی، ۱۳۷۵: ۲۱۹)

و یا در این عبارت، آیه ۱۱۰ سوره مؤمنون «فَلَا أُنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ» مجاز است؛ یعنی احوال هم را نمی‌پرسند: «مال اگرچ بسیار باشد، اینجا در معرض تلف است و بر گذار سیل حادث و وارت و آنجا از ثمره منفعت خالی و نسب اینجا بی ضمیمه حسب خود در حساب عقل نیاید و آنجا از فایده اعتبار معطل، فَلَا أُنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ.» (همان: ۱۸۴)

و در این عبارت نیز آیه ۲۱۵ سوره شعراء مجاز از این است که باید با فروتنی نسبت به مردم رفتار کرد: «پس گفت: ما عورت گناه دادمه بستر کرامت پوشانیدیم و از کرده او درگذشتیم و اخِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ، درین حال متبوع خویش داشتیم.» (همان: ۳۴۱)

#### ۷- کاربرد آیات مزین به جناس و سجع و... در عبارات فارسی

نویسنده برای مزین کردن کتاب خود، اغلب از آیاتی بهره می‌گیرد که به نوعی درون آنها آرایه‌ها و زیبایی‌های لفظی همچون جناس و سجع و تناسب و... می‌باشد؛ به عنوان مثال در دو عبارت زیر به ترتیب آیه ۵۷ سوره هود و آیه ۳۱ سوره اعراف به کار رفته، به ترتیب جناس اشتقاق ریشه‌ای بین کلمات «نَصَحْتُ و ناصِحین» و «تُسْرِفُوا و مُسْرِفین» وجود دارد:

«گفت: اکنون که تمکین سخن گفتن فرمودی، حسن استماع مبذول فرمای که لوازم نصیح ملازم طبع انسانی نیست، لَقَدْ أُبْلِغْتُمْ رَسُولَهُ رَبِّي وَ نَصَحْتُ لَكُمْ وَ لَكِنْ لَا تُجِيبُونَ النَّاصِحِينَ.» (همان: ۴۵)

«او بحقیقت بندگان خدای را نگهبان اموال است و تصرف در مال خود باندازه شاید کرد فخاصه در مال دیگران و جمال این سخن را نص کلام از منصفه صدق جلوگیری می‌کند آنجا که می‌فرماید: وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ.» (رواینی، ۱۳۷۵: ۴۷) و نیز جناس خط بین دو کلمه «يَحْسِبُونَ و يُحْسِنُونَ» در آیات ۱۰۳ و ۱۰۴ سوره کهف که در این عبارت به کار رفته است: «و مردم نادان ندانسته‌اند که عمل خانه امل ایشان چون قبه حباب و سده سحاب بنیاد بر باد و آب دارد، اسباب زخارف در پیش سیل جاراف فراهم آورده‌اند و بر هم نهاده و آخر الامر بآب

سیاه عدم فروداده، قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ هُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يَحْسِنُونَ صُنْعًا.» (همان: ۳۶۶)

علاوه بر جناس، آرایه سجع نیز به وفور در آیات قرآنی به کار رفته در جملات فارسی متن کتاب مشاهده می‌شود که از بین انواع سجع، بیشترین بسامد مربوط به سجع متوازن می‌باشد؛ به عنوان مثال در این عبارت بین واژگان «اقتلو و اخرجوا» که در آیه ۶۶ سوره نساء به کار رفته‌اند سجع متوازن وجود دارد: «و ایزد جلّ و علا، کشتن بندگان خویش و ازعاج و اخراج ایشان از آرامگاه و مأوی اصل برابر می‌فرماید، اِنْ اَقْتُلُوا اَنْفُسَكُمْ اَوْ اَخْرَجُوا مِنْ دِيَارِكُمْ.» (همان: ۲۳۹)

در آیه ۲۸ سوره انفال و آیه ۷۱ سوره زخرف نیز که به ترتیب در دو عبارت زیر به کار رفته به ترتیب بین کلمات (أموالکم و اولادکم) و (أنفس و أعین) سجع متوازن وجود دارد: «پس از اینجا می‌توان دانست که بزرگترین شاغلی از شواغل دریافت سعادت و هول‌ترین قاطعی از قواطع راه آخرت ایشانند اِنَّمَا اَمْوَالُكُمْ وَّ اَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ در بیان این معنی است که شرح داده آمد.» (همان: ۶۶۱)

«و این بجّتی ماند پر از الوان ازاهیر معنی و اشکال ریاحین الفاظ و اجناس فواکه نکت و انواع ثمار اشارات. هر حسی را از افراد آن بهره و هر ذوقی را از آحاد آن نصیبی، فیها ماتشّیه الأَنْفُسُ تَلَدُّ الأَعْيُنُ و بدین خصایص که یاد کرده می‌آید از جمله آن کتب منفرد است.» (همان: ۷۳۶)

علاوه بر سجع متوازن، سجع متوازی نیز به ندرت در آیات متن کتاب مشاهده شود؛ به عنوان مثال در عبارت زیر در آیات ۲۲ و ۲۱ سوره الحاقه بین واژگان «راضیه و عالیه» سجع متوازی وجود دارد: «شیری آنجا پادشاهی دارد، چنین نگارستانی را شکارستان خویش کرده و ددان آن نواحی را در دام طاعت خود آورده، از مشرب تمتّع آن بی‌کدورت زحمت هیچ مزاحم باز می‌خورد و اسباب تعیش «فی عیشهِ راضیه و جَنَّةِ عالیه» در آن آرام جای ساخته می‌دارد.» (همان: ۲۶۰)



از دیگر آرایه‌های لفظی به کار رفته در آیات قرآنی متن کتاب، آرایه تضاد، مقابله و مراعات نظیر می‌باشد که به نوبه خود حجم وسیعی را به خود اختصاص داده‌اند. آرایه تضاد گاه به صورت آرایه مقابله به کار می‌رود؛ به این صورت که در دو جمله واژگان متضاد مقابل هم قرار دارند؛ به عنوان مثال در آیه ۲۳ سوره حدید که در این عبارت به کار رفته، واژگان متضاد «لَا تَأْسُوا وَ لَا تَفْرَحُوا» و «مَا فَاتَكُمُ و مَا آتَيْكُم» مقابل هم قرار دارند: «دیو گفت: خردمند میان مردم کیست؟ دینی گفت: آنک چون برو ستم کنند، مقام احتمال بشناسد ... و در تحصیل ناآمده سخت نکوشد و در ادراک و تلافی فایت رنج بر دل نهد، در نیافت مراد اندوهگن نگردد و در نیل آن شادی نیفزاید، لیکلاً تأسوا علی ما فاتکم و لا تفرحوا بما آتاکم.» (وراوینی، ۱۳۷۵: ۲۷۰)

و همچنین در این عبارت نیز تضاد از نوع مقابله می‌باشد؛ واژگان متضاد «آن تکرهوا و آن تحبوا» و «خیر و شر» در آیه ۲۱۶ سوره بقره که در عبارت زیر به کار رفته‌اند مقابل یکدیگر قرار دارند: «گفت: چون کاری بین طرفی النقیض افتد، حکم در آن قضیه بر یک جانب کردن و از یک سو اندیشیدن اختیار عقل نیست، عسی أن تکرهوا شیئاً و هو خیر لکم و عسی أن تحبوا شیئاً و هو شر لکم.» (همان: ۲۲۴)

آرایه تناسب نیز از دیگر آرایه‌هایی است که در بین آیات قرآنی به کار رفته در عبارات فارسی متن کتاب مشاهده می‌شود و به نوبه خود زیبایی کتاب را دوچندان نموده است؛ به عنوان مثال تناسبی که بین واژگان «عَلَقَهُ، مُضَعَّه، عِظَاماً و لَحْمًا» در آیه ۱۴ سوره مؤمنون در این عبارت وجود دارد: «و بدانید که آن غلام که در کشتی نشست، آن کودک جنین است که از مبدأ تکوین نطفه بتلویں حالات نه ماه در اطوار خلقت می‌گردد و چنانک قرآن خبر می‌دهد: ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضَعَّةً فَخَلَقْنَا الْمُضَعَّةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا.» (همان: ۱۲۰)

همچنین در دو عبارت زیر به ترتیب در آیه ۲۵ و ۲۴ سوره عبس و آیه ۲۰ سوره حدید، بین واژگان «آخیه، امه و آبیّه» و «لهو، لعب، زینه، اموال، اولاد و دنیا» تناسب بسیار زیبایی دیده می‌شود: «و چون دوستان و برادرخواندگان امروز از یکدیگر منتفع نشوند، آن روز که «يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ آخِيهِ و امه و آبیّه» نقد حال گردد، از یکدیگر چه فایده تصور توان کرد؟» (همان: ۱۷۱)

«و میان کودک نادان خیال‌پرست که با لعبتی از چوب تراشیده بالف و پیوند دل عشق بازی کند و میان آنک دل خود را از دیگر مطلوبات ببقای فرزندان و جمال ایشان حرم و خرسند گرداند، هیچ فرقی نمی‌نهد تا بدین صفت از آن عبارت می‌فرماید: «انَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَ لَهُوَ وَ زِينَةٌ وَ تَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَ تَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَ الْأَوْلَادِ.» (همان: ۶۶۲)

### نتیجه

یکی از جلوه‌های زیبای متون ادب فارسی به کارگیری آرایه‌های ادبی و صورخیال به ویژه آیات قرآن و احادیث در آنهاست. مرزبان‌نامه از جمله کتاب‌های تعلیمی است که نویسنده با مهارت و استادی تمام، آن را به زینت و زیورهای ادبی آراسته و از آیات قرآن به شیوه‌های گوناگون در نثر کتاب استفاده نموده است. به کارگیری آیات قرآن در جهت تلفیق معانی، یکی از جنبه‌های زیبایی این کتاب است؛ به این صورت که گاه آیات قرآن دنباله کلام فارسی هستند و نویسنده درحقیقت به وسیله آیات، معانی و مفاهیم جملات و عبارات مدنظر خود را کامل می‌کند.

استشهاد و استناد به آیات قرآن، زیبایی دیگری است که در این کتاب به چشم می‌خورد و از بسامد بسیار بالایی نیز برخوردار است. نویسنده درحقیقت با هنرمندی هرچه تمام‌تر، از این شیوه در جای‌جای کتاب برای بیان ادله و مصداق و اینکه بتواند دلایل محکم و قابل قبول برای کلام خود ارائه دهد، استفاده نموده است. نقش دستوری پذیرفتن آیات قرآن در ساختار جملات و عبارات فارسی و همچنین قرار گرفتن آیات قرآن در جایگاه تمثیل و وصف، از دیگر زیبایی‌هایی است که به در سراسر متن کتاب به چشم می‌خورد.

## منابع

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- امیدعلی، حجت‌اله. «بررسی جنبه‌های زیبایی‌شناسی آیات قرآن در درّه نادره». فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های ادبی - قرآنی، دوره ۳، شماره ۳، صص ۶۹-۵۱، ۱۳۹۷.
- ۳- خطیبی، حسین. فن نثر. تهران: انتشارات زوار، ۱۳۸۶.
- ۴- ذباح، محمود. «تحلیل زیبایی‌شناسانه نثر کتاب مرزبان‌نامه». فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی، شماره ۳، ۱۳۹۴.
- ۵- رازی، شمس قیس. المعجم فی معایر اشعار المعجم. به کوشش سیروس شمیسا. تهران: انتشارات فردوس، ۱۳۷۳.
- ۶- راستگو، سیدمحمد. تجلی آیات قرآن و حدیث در شعر فارسی. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۶۷.
- ۷- سالمیان، غلامرضا؛ صیدی، کریم؛ امیری کله‌جویی، هاجر. «کارکرد عبارات‌های عربی در مرزبان‌نامه». مجله کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی، شماره ۸، صص ۲۷-۵۰، ۱۳۹۱.
- ۸- شمیسا، سیروس. بیان. تهران: انتشارات فردوس، ۱۳۷۲.
- ۹- طاهرافشار، حمیدرضا. زیبایی‌شناسی تشبیهات مرزبان‌نامه. تهران: انتشارات هوشمند تدابیر، ۱۳۹۳.
- ۱۰- علوی مقدم، محمد؛ اشرف‌زاده، رضا. معانی و بیان. تهران: انتشارات سمت، چاپ ششم، ۱۳۸۴.
- ۱۱- فتوحی، محمود. بلاغت تصویر. تهران: انتشارات سخن، ۱۳۸۵.
- ۱۲- کاکه رش، فرهاد. «بررسی اجمالی تأثیر قرآن و حدیث در مرزبان‌نامه». مجله ادبیات فارسی، شماره ۵، صص ۷۷-۸۹، ۱۳۸۵.
- ۱۳- وراوینی، سعدالدین. مرزبان‌نامه. به کوشش دکتر خلیل خطیب رهبر، تهران: انتشارات صفی‌علی‌شاه، ۱۳۷۵.
- ۱۴- همایی، جلال‌الدین. فنون بلاغت و صناعات ادبی. تهران: انتشارات اهورا، ۱۳۸۰.

## Aesthetic aspects of Quranic verses in Marzban Nameh

Heshmat Gheisari<sup>1</sup>

### Abstract

Marzbannameh is one of the Persian masterpieces of allegorical literature in artificial prose, which has been translated from the ancient Tabari language into Dari Persian by the prominent writer and author of the seventh century AH, Saad al- Din Varavini.

The distinctive feature of this book is that it is decorated with verbal and spiritual arrangements, among which the share of Quranic verses is very high and has a high frequency. This research, with analytical- content method, examines the aesthetic aspects of Quranic verses in Marzban Nameh from the perspective of the role of Quranic verses in the literary beauty of the book Marzban Nameh, the author's goals of using Quranic verses and the ways in which Quranic verses appear in the text of the book Gives.

Research results shows that the author in the prose of the book has paid more attention to the guarantee and adaptation of Quranic verses than other literary arrays. In fact, in addition to combining the meanings and embellishing the prose of the book, the verses of the Qur'an have been used extensively to enrich the contents and to present arguments and examples.

**Keywords:** Quranic verses, Marzbannameh, Aesthetic analysis.

---

1. Full-time faculty member of Islamic Azad University, Iranshahr branch  
Email: hgheisari.80@gmail.com